

متن پرسش

سلام علیکم با تشکر از پاسخ شما به سوال بنده در مورد نهی از منکر زنان بدحجاب از منظر مقام معظم رهبری-مدظله- که باید بدون ایجاد نفرت باشد. اما شما فرموده اید: «از آن طرف وقتی نظام حاکم بر اساس قوانین جاری کاری را انجام دهد فرق می کند تا یک فرد بخواهد اعمال قانون کند. حدّ جاری کردن وظیفه‌ی نظام حاکم است و نه افراد جامعه.» به بنده نیز میدانم که اجرای حدود وظیفه حکومت است. بنده نیز نگفتم که افراد جامعه این کار را انجام دهند. اما حکومت هم که انجام دهد ایجاد نفرت میشود. حتی نهی از منکر لسانی نیز برخی مواقع باعث ایجاد نفرت و حتی درگیری می شود. کما اینکه در همین تابستان امسال چند ناهی از منکر توسط انجام دهندگان منکر ضرب و شتم شده بودند. حتی همانطور که گفتم الان همین گشت ارشاد نیز کلی ایجاد نفرت کرده حتی در بین قشر مذهبی و حزب اللهی جامعه.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در جلد اول کتاب «فرزندان این چنین باید بود» در شرح فرمایش مولی‌الموحّدین «علیه‌السلام» به فرزندشان که می‌فرمایند: امر به معروف کن تا اهل معروف شوی، عرض کردم اگر به طرف مقابل بفهمانیم از سر محبت و به حکم شریعت الهی من این تذکر را می‌دهم، عموماً جبهه نمی‌گیرند و مواردی که اخیراً پیش آمده است از موارد استثناء است که ماهواره‌ها این افراد را تحریک کردند تا امتحان کنند ببینند ما چه عکس‌العملی نشان می‌دهیم. در مورد اعمال قانون از طریق نظام مثل جریمه کردن است در اثر تخلفات رانندگی و این نوع عدم رضایت با تنفیری که شما می‌فرمایید فرق می‌کند. در مورد امر به معروف در آن کتاب عرایضی شده که به طور مختصر از این قرار است: « امر به معروف موجب آزاد شدن جامعه از افتخارهای دروغین و مقید شدن به ارزش‌های حقیقی می‌شود. مگر افتخار حقیقی به تقوا نبود که خداوند فرمود: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَّقِيكُمْ».

پس چرا افتخاراتِ دروغینِ زندگی ما را از ما ربوده است؟ مگر بنا نشد به گونه‌ای زندگی کنیم که دینداری برای ما اصل باشد و در جهت رضایت خدا قدم برداریم؟ پس چرا بسیاری از مردم عمر خود را صرف یک نوع زندگی کرده‌اند که با ایجاد افتخاراتِ وَهْمی از همدیگر خجالت می‌کشند؟! از این زاویه به امر به معروف نظر کنید که موجب می‌شود انسان در این سایه‌های دروغین و رودربایستی‌های خیالی اسیر نگردد. وقتی به فردی که کار غلطی می‌کند شما بگویید این کار را نکند و روشن کنید از سر دل‌سوزی و خیرخواهی حکم خدا را به او تذکر می‌دهید، هر اندازه هم از نظر ظاهر مقاومت کند و

زیر بار نرود، در درون خود نمی‌تواند مثل قبل آن کار را ادامه دهد، بالأخره در درون خود با خودش درگیر می‌شود چون شما چیزی را به او تذکر داده‌اید که بیرون از فطرت او نیست. حضرت ابتدا به فرزندشان فرمودند: توقف در آستانه‌ی گمراهی‌ها بهتر است از سوارشدن بر امواج سهمگین و بعد فرمودند: امر به معروف کن تا از اهل معروف شوی و اگر معروف الهی را به افراد جامعه متذکر نشویم آن‌ها با منکر خود طلبکار ما می‌شوند. اگر نگویند این تجملات چیست که خود را گرفتار آن کرده‌اید؟ می‌گویند چرا شما مثل ما عمل نمی‌کنید. حضرت می‌فرمایند: امر به معروف کن تا اهل معروف شوی چون با تأکید بر معروف الهی، نگاه آدم به دنیا و امور دنیا درست می‌شود و از انحرافی که مردم عادی را مشغول خودش کرده فاصله می‌گیرید، ممکن است با تأکید بر معروف الهی کار به جایی برسد که طاغوتی‌های فامیل‌تان از شما فاصله بگیرند و بدین ترتیب بدون آن‌که شما قطع رجم کرده باشید، زندگی‌تان از لگدمال شدن زیر پای آدم‌های پر ادعا آزاد می‌شود. با تأکید بر روی معروف الهی از سر دلسوزی و خیرخواهی، این افراد یا راهشان را از شما جدا می‌کنند، یا دیگر انتظار نخواهند داشت که شما هم مثل آنها عمل کنید و یا این‌شاءالله تغییر روش می‌دهند و مقید به احکام الهی می‌شوند، در هر صورت امور به نفع شما تمام می‌شود. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت امر به معروف موجب پدیدآوردن فضایی می‌گردد که انسان‌های متمایل به منکر، در آن فضا منفعل باشند و نه فعال. البته باید تأکید کنم که امر به معروف نباید به گونه‌ای باشد که طرف مقابل شما تصور کند با او دعوا دارید. بعضی موارد افراد به خاطر برخورد بد ما چنین تصویری برای‌شان به وجود می‌آید و باعث موضع‌گیری آنها در مقابل ما می‌شود و در نتیجه اصل قضیه از دست می‌رود. همین قدر که خواهران به افرادی که حجاب درستی ندارند تذکر دهند که خودشان را در مقابل چشم نامحرمان حفظ کنند، افراد بدحجاب چه خودشان را حفظ کنند و چه حفظ نکنند، خجالت می‌کشند. آن وقت دیگر نمی‌گویند که این چادری‌ها در این کشور چه می‌کنند. اما اگر الآن زنان با حجاب در مقابل بی‌حجابی سکوت کنند بعداً خودشان مورد مؤاخذه واقع می‌شوند زیرا از معروف خداوند آن طور که شایسته است قدردانی نکرده‌اند و نباید انتظار داشته باشند با تبسم عالی خداوند روبه‌رو شوند. آبرویی که برای حفظ دین خداوند ریخته شود بالاترین آبروها است و مولایمان حضرت سیدالشهداء در همین وادی گام گذاشتند و فرمودند: «أَنْتِي لَمْ أَخْزُجْ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ»؛ من برای سرکشی و عداوت و فساد کردن و ظلم نمودن خروج نکردم، بلکه؛ جز این نیست که من به منظور اصلاح در دین جدّم قیام نمودم، من در نظر دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. من می‌خواهم مطابق سیره‌ی جدّم رسول خدا و پدرم علی بن ابی طالب «علیهماالسلام» رفتار نمایم. در منظر آن‌ها چنین فردی طغیان‌گر است و طبق عقل جامعه عمل نمی‌کند و می‌خواهد ما را به گذشته برگرداند. در هر صورت موضوع امر به معروف و نهی از منکر موضوع بسیار گسترده‌ای است که نباید آن را محدود به چند مثال کرد. شرایط امروز تاریخ جهان شرایط خاصی را به

وجود آورده که باید مطابق این شرایط امر به معروف کرد، امروز یک فیلم می‌تواند در امر به معروف و نهی از منکر نقش بسیار فعالی را داشته باشد، عمده شناخت درست معروف و درست مطرح کردن آن است، با هر زبانی و به هر شکلی، تا اهل معروف شویم. حضرت در ادامه به فرزندشان می‌فرماید: «وَأَنْكِرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَ لِسَانِكَ وَ بَايِنَ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ» با دست و زبان از زشتی و منکر بپرهیز و بکوش راحت را از بدکاران جدا کنی. با انکار ارزش اعمال و افکار منکر و زشت، اردوگاه خود را از زشتکاران جدا می‌کنیم و روشن می‌نماییم با آن‌ها پیوندی نداریم و درست در هنگامی که عده‌ای به سراغ دنیاطلبی رفته‌اند باید با عمل نشان دهیم که دنیاپرست نیستیم و با زبان هم آن را تأکید می‌کنیم تا فضای فرهنگی به ضرر ما و جامعه‌ی مسلمین تمام نشود، به همین جهت حضرت می‌فرماید: «وَبَايِنَ مَنْ فَعَلَهُ» و راه خود را از کسانی که با زشتی‌ها و تجملات و دنیا‌داری‌ها زندگی می‌کنند، جدا کن و در این رابطه جبهه‌ی خود را از جبهه‌ی آنان متمایز بگردان و گرنه اسیر فضاهای باطلی می‌شوی که آن‌ها همواره ایجاد می‌کنند. اگر یک کارمند مذهبی که در اداره‌ای مشغول به کار است به روشی سالم و دوستانه در مقابل انحراف‌های سایر همکاران انتقاد نکند بر اثر جوّی که آن‌ها می‌سازند منزوی می‌گردد. اما اگر هنگامی که همکار او فضای خدمتگزاری را با انواع غیبت‌ها و تهمت‌ها خراب کرد به او بگویند: برادرم این کار تو غیبت و تهمت است، آن فرد متوجه می‌شود نمی‌تواند در فضای اداره هر کاری که مایل بود انجام دهد. آن فرد متعهد دست به یقه هم با کسی نشده فقط دوستانه تذکر داده، اما جنس فطرت انسان‌ها به گونه‌ای است که در مقابل برخورد خوب، متأثر می‌شوند. کارمند جزء بودن و یا رئیس بودن وظیفه را تغییر نمی‌دهد حتی رؤسای غیرمذهبی هم در مقابل امر به معروف و نهی از منکر وقتی به شیوه صحیح باشد، منفعل و متأثر می‌شوند و شما می‌توانید بعد از امر به معروف و نهی از منکر، این را در سخنان و رفتار آنها مشاهده کنید. بعضاً ملاحظه کرده‌اید حرف‌هایی می‌زنند که به تیپ آنها نمی‌خورد و پیداست که علت آن، انفعالی است که با تذکر شما در فطرت آن‌ها ایجاد شده است. جنس آدمی این گونه است که از تذکرات الهی متأثر می‌شود، چون خدا نیروی اصلی تصدیق خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها را در درون انسان‌ها قرار داده است و بدین لحاظ است که ما موظفیم از آن نیرو در اصلاح جامعه استفاده کنیم. از این نکته نیز غفلت نفرمائید که خداوند مزه‌ی امر به معروف در قلبِ آمر به معروف را گذاشته همان‌طور که نفوذ امر به معروف و نهی از منکر را در طرف مقابل قرار داده، فقط انسان باید بداند که چه استفاده‌ای می‌خواهد از امر به معروف و نهی از منکر بکند و این از حساس‌ترین قسمت‌های موضوع است. باید بتوانیم برای انسان‌ها روشن کنیم حضور در عالمی که معروف الهی مورد علاقه انسان است و زشتی‌هایی که خداوند زشت می‌داند، مورد تنفر انسان است، حضوری است بسیار آرامش‌بخش و تعالی‌زا و بر این اساس ما انسان‌ها را به معروف الهی دعوت می‌کنیم و از زشتی‌هایی که خداوند آن‌ها را زشت می‌داند برحذر می‌داریم. در این رابطه است که مولی‌الموحدين می‌فرماید: «أَصْلِحِ الْمُسِيءَ بِحُسْنِ فِعَالِكَ وَ دُلَّ عَلَى الْخَيْرِ بِجَمِيلِ مَقَالِكَ» به صلاح آور گنه‌کار را به نیکوئی کردار خود و دلالت کن بر نیکوئی، به

زیبائیِ گفتار خود. در امر به معروف لازم نیست که برای طرفِ مقابل بحث و استدلال پیش بکشیم، با حالت خیرخواهانه به او متذکر می‌شویم که راه سعادت تو در جای دیگر است، بگذارید او به ظاهر با شما مخالفت کند، شما آنچه را باید بگوئید و یا آن عملی را که باید انجام دهید، انجام داده‌اید، شما با حرکات و گفتار خود امر به معروف کنید، حتی اگر فرهنگ جامعه تغییر نکند، حداقل حُسنش آن است که گروه‌های مذهبی نشان می‌دهند در جامعه از جریان‌های منفی منفعل نیستند. البته واقعیت این است که باید متوجه باشیم فرهنگ جامعه در یک فرآیند، آرام‌آرام تغییر می‌کند. شما با موضع‌گیری در مقابل کار خلاف و دفاع از معروف، شخصیت الهی خود را قوت بخشیده‌اید و وارد نظام ارزشی دیگری خواهید شد، غیر از آن نظامی که مردم عادی گرفتار شده‌اند. « موفق باشید